

حضرت علی (ع): از نافرمانی خدا در خلوت بپرهیزید، زیرا همان که گواه است، داوری کند. حکمت: ۳۲۴

درس سوم: فلسفه و زندگی

انسان ها درباره امور مختلف باورها و اعتقاداتی دارند؛ و در این باورها و اعتقادات گاه با یکدیگر یکسان و مشترک هستند و گاه متفاوت و مختلف. معنای زندگی هرکس نیز در گرو همین باورها و اعتقادات است. باورها و اعتقاداتی که از سر تعقل، عادت و یا تقلید پذیرفته و مبنای تصمیم گیری ها و اعمال او هستند. به عبارت دیگر:

باورهای هرکس ← فلسفه او را می سازد ← و فلسفه هرکس معنا دهنده زندگی اوست.

مبنای باورها و اعتقادات انسان
تفکر و تعقل
عادت
تقلید

ویژگی و مشخصات انسان هایی که دارای تفکر فلسفی اند =
به تفکر درباره خود می پردازند
در پی ریشه یابی باورهای خود را هستند
بنیان های فکری خود را در چارچوب عقل و منطق قرار می دهند

اندیشیدن فیلسوفانه یعنی
غور و اندیشیدن در باورها و اعتقادات زندگی
یافتن چرایی و دلایل درستی و یا نادرستی باورها
پذیرش باورهای درست و کنار گذاشتن باورهای غلط

ساختن بنیان های فکری خود
رسیدن به آزاد اندیشی
کسب شخصیتی مستقل

مردم در کسب معنای زندگی

اهل تفکر و اندیشه اند

مقلد و دنباله رو دیگرانند
به امور مهم چون حقیقت انسان و جهان نمی اندیشند.
قانع به اطلاعاتی که از اطراف خود اخذ می کنند، هستند.
در انتخاب اهداف خود دقت ندارند.

به معنای درستی از زندگی دست می یابند
- در امور مهم چون حقیقت انسان و جهان اندیشیده و به اطلاعات درست می رسند.
- اهداف قابل قبول در زندگی دارند.

به معنای درستی از زندگی دست نمی یابند
- در امور مهم چون حقیقت انسان و جهان اندیشیده و به اطلاعات و نگرش نادرست دارند.
- در انتخاب اهداف زندگی به خطا . رفته اند.

فواید تفکر فلسفی
کسب معنای زندگی (معنابخشی به زندگی)
دوری از مغالطه ها
استدلال در اندیشه
رهایی از عادات غیرمنطقی

دوری از مغالطه ها

منطق ابزار درست اندیشیدن است. است به عبارت دیگر منطق راه تشخیص باورهای غلط از درست و راه های دستیابی به باورهای درست را آموزش می دهد.

فلاسفه با بهره گیری از این توانایی منطقی می کوشند تا بتوانند
- اندیشه های فلسفی غلط از درست را تشخیص دهند.
- طریقه دستیابی به اعتقادات صحیح را بیان کنند.
- فهم درست از حقایق در عالم هستی و در مسائل بنیادی و ارائه آنها با گفتار صحیح و خالی از مغالطه داشته باشند.
- نمونه هایی از مغالطات فلسفی جهت عبرت گیری دیگران را بیان کنند

استقلال در اندیشه: تفاوت های فیلسوف با عامه مردم در اندیشیدن

متفکر و فیلسوف	عامه مردم
در مسائل بنیادین فلسفه همانند خدا، آزادی اندیشیده و نظر می دهند.	در مسائل بنیادین فلسفه همانند خدا، آزادی اندیشیده و نظر می دهند.
هیچ سخنی را بدون دلیل نمی پذیرد.	هر سخن و نظری را بدون دلیل می پذیرند.
درباره استدلالات می اندیشند.	درباره استدلالات نمی اندیشند.
استقلال اگر درست نباشد پذیرفته نمی شود.	استدلال اگر درست نباشد ممکن است پذیرفته شود.
نحوه ورود در مسائل: تفکر و تعقل	نحوه ورود در مسائل: عادت و تقلید
تابع برهان و استدلال	تابع افراد و اشخاص

رهایی از عادت های غیر منطقی

عادت: افکار و عقایدی که پشتوانه عقلی و منطقی ندارند و در طی زمان از نسلی به نسل دیگر رسیده و انسان ها بدون دلیل آنها را پذیرفته اند.

نحوه برخورد متفکران با عادات مردم: پس از بررسی و مطالعه آنها

یا این عادات را منطبق با عقل و منطق می یابند و آنها را می پذیرند.
یا این عادات را منطبق با عقل و منطق نمی یابند و ضمن عدم پذیرش به مخالفت با آنها نیز می پردازند.

- پیامدهای مخالفت متفکران با عادات غیر منطقی مردم
- آگاه ساختن مردم از باطل بودن آن عادات
- مخالفت مردم با نظر متفکران
- منحرف و باطل دانستن متفکران از سوی مردم
- با استقامت و پایداری متفکران بر نظرات خود سبب نمایان شدن حقیقت و پی بردن عامه مردم بر نظرات باطل خودشان می شوند.

تمثیل غار افلاطون

این تمثیل در کتاب جمهوری و با هدف نشان دادن اینکه چگونه فلسفه، انسان را به سمت آزادی حقیقی هدایت می کند توسط افلاطون بیان شده است و نمونه‌ای است برای دو مورد از فواید تفکر فلسفی؛ یعنی استقلال در اندیشه و رهایی از عادت های غیر منطقی.

شرح تمثیل:

افرادی را در غار تصور کنید که چهره هایشان رو به دیوار و پشتشان به سمت دهانه غار است و با غل و زنجیر به بند کشیده شده اند و امکان جابجایی و روی برگرداندن ندارند. در بیرون دهانه غار آتشی افروخته و انسانها و موجودات مختلفی در رفت و آمد هستند و کارهایی را انجام می دهند. طبیعتاً سایه این افراد و موجودات بر دیوار افتاده و انسان های دربند آن سایه ها را دیده و چون غیر از سایه چیزی ندیده اند، سایه ها را واقعی تلقی می کنند.

اگر یکی از این افراد از زنجیر راهی یابد و بتواند به بیرون غار آید، چون تمام عمر در تاریکی بسر برده نمی تواند به راحتی با نور بیرون از غار کنار آید، لذا ممکن است دو مرتبه به جای قبلی خود برگردد و مثل قبل زندگی کنند. اما اگر بتواند به رنج دیدن نور فایق آید و از غار بیرون آید؛ خیلی زود تشخیص می هد آنچه تا کنون واقعی می دانستند، در حقیقت سایه ای بیش نیست.

حال این شخص اگر به غار برگردد و به افراد دیگر بگوید این سایه ها حقیقی نیستند همه به او خواهند خندید و به حال او تاسف می خورند و با آهستگی به یکدیگر می گویند: بیچاره با روی برگرداندن و بیرون رفتن از غار سلامت بینایی و عقلانی خود را از دست داد.

پایان